

پیمان غدیر
بیعت با مهدی
دکتر سید محمد بنی هاشمی

بسم الله الرحمن الرحیم

پیمان غدیر: بیعت با مهدی "عجل الله تعالی فرجه الشریف"

نویسنده:

محمد بنی هاشمی

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پیمان غدیر: بیعت با مهدی " عجل الله تعالی فرجه الشریف"

مشخصات کتاب

سرشناسه : بنی هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۳۹ -

عنوان و نام پدیدآور : پیمان غدیر: بیعت با مهدی " عجل الله تعالی فرجه الشریف"/ محمد بنی هاشمی.

مشخصات نشر : تهران : منیر ، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۱۵۹ ص.

شابک : ۱۳۵۰۰ریال: ۹۶۴-۷۹۶-۵۸۳-۴ ؛ ۱۸۰۰۰ ریال: چاپ سوم: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۶-۵۸۳-۵

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ قبلی: منیر،۱۳۸۲(۶۳ص.)

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ سوم : ۱۳۸۶.

یادداشت : عنوان دیگر: پیمان غدیر: بیعت بامهدی " علیه السلام".

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۵۷] - ۱۵۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : پیمان غدیر: بیعت بامهدی " علیه السلام".

عنوان دیگر : بیعت بامهدی " عجل الله تعالی فرجه الشریف"

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- اثبات خلافت

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : غدیر خم

موضوع : امامت

موضوع : مهدویت

رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵/ب ۸۱۵پ ۹ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴–۱۶۹۲۱

ص: ۱

اشاره

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا میثاقَ اللهِ الَّذی اَخَذَهُ وَ وَکَّدَهُ

سلام بر تو ای پیمان خدا که آن را ستانده و محکم گردانده است

بخشی از زیارت امام عصر علیه السلام (آل یس)

احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۶

...هو عید الله الاکبر

امام صادق علیه السلام درباره عید غدیر فرموده اند: «آن، بزرگترین عید خداوند است و خدای عزّوجل هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه این روز را عید گرفته است». (۱)

ما شیعیان که سالروز غدیر را جشن می گیریم و به آن افتخار می کنیم، آیا تاکنون به مسؤولیّتی که در قبال آن داریم، اندیشیده ایم؟ آیا توجّه کرده ایم که مؤمنان آخر الزّمان هم مخاطبان واقعی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر سال دهم هجری بوده اند؟ آیا می دانیم که از آنروز به انجام دادن کدام بیعت، دعوت شده ایم؟

نام غدیر به فرمایش امام صادق علیه السلام در آسمان «یوم العهد المعهود» است و در زمین «یوم المیثاق المأخوذ» (۲). این عهد و ۳.

۱- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۴۳.

۲- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۴۳.

پیمانی که اهل آسمان و زمینیان از غدیر می شناسند، کدام عهد و پیمان است؟ پاسخ این سؤال در زیارتی که از ناحیه مقدّسه امام عصر علیه السلام وارد شده، آمده است. در این زیارت، خطاب به خود آن بزرگوار می خوانیم: السّلام علیك یا میثاق الله الذی اخذه و وکّده. (۱) آری، تنها میثاقی که خداوند در حال حاضر بر روی زمین دارد، همان پدر مهربان ماست که در روز غدیر، توسّط دعوت کننده الهی به اسم و صفت، معرّفی گردید و از همه مردم تا روز قیامت خواسته شد که پیمان مولویّت ایشان را برعهده گیرند.

ولی مع الاسف اکنون اکثریّت مردم - حتّی بسیاری از شیعیان - به درستی با آن عهد و میثاق الهی آشنایی ندارند و نمی دانند که با امام زمان خود چگونه باید بیعت کنند. پس لازم است که هر چه بیشتر درباره پیمان غدیر، معرفت خود را عمیق تر سازیم تا بهتر بتوانیم از عهده ادای آن برآییم.

کتاب حاضر، محصول تلاش عزیزانی است که به قصد عرض ارادت به پیشگاه صاحب غدیر خواسته اند گامی کوتاه در این مسیر بردارند. به این امید که خداوند، عیدی ایشان را بیعت با دستان پاک آن عزیز سفر کرده، در غدیر امسال قرار دهد.

سید محمد بنی هاشمی

شوال ۱۴۲۳

آذر ۱۳۸۱۶.

ص: ۸

۱- احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۶.

پیغام غدیر

لزوم آشنایی با پیام غدیر و عمل به آن در همه زمانها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان آخرین پیام آور الهی، در تبیین کامل ترین ادیان، در روز غدیر، تکلیف همه مردم را تا قیامت روشن نمودند و برنامه هدایت الهی را تا پایان دنیا اعلام کرده، راه هرگونه عذر و بهانه را مسدود ساختند. ایشان با ایراد خطبه ای رسمی، هر گونه محدوده زمانی و مکانی را در نوردیده، حاضران و غایبان را در انتخاب راه بهشت و دوزخ، مخیّر نمودند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر، راه دینداری را تا قیامت برای همه مردم ترسیم فرمودند و بر ایشان اتمام حجّت نمودند. بنابراین غدیر، دارای محتوای اعتقادی بسیار مهمّی است که تکلیف مردم را در دنیا و آخرت مشخص می سازد و همه انسان ها تا قیامت موظّف به عمل به آن هستند.

با این وصف، نمی توان غدیر را تنها یک حادثه تاریخی انگاشت

ص: ۹

و وظیفه ما در این عصر، تنها به خوانـدن و آموختن تاریـخ آن خلاصه نمی گردد؛ بلکه باید اعتقادات صـحیح خود را در این خطبه بیـابیم و وظایفمان را شـناسایی کنیم. به تعبیر روشن تر بایـد دسـتورالعمل زنـدگی خویش را از لابه لای این پیام بیابیم و بدان ملتزم گردیم.

حجّیّت پیام غدیر برای همه انسان ها تا روز قیامت

پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر برای آخرین بار در اجتماع مسلمانان، پیام مهمّی را از جانب خداوند متعال اعلام فرمودنـد. این پیام، دلیل قاطع و برنده ای بر تمام کسانی است که به هر طریقی بر آن آگاهی یافته اند و راه هرگونه عذر و بهـانه را بر امّت بسـته است. رسول اکرم صـلی الله علیه و آله وسـلم خود، تبلیغ این پیـام را بر همه حاضـران و غایبان در همه اعصار و قرون واجب ساختند:

ای مردم من امر خلافت را به عنوان امامت و وراثت در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم.

وَ قَد بَلَّغتُ ما اُمِرتُ بِتَبلیغِهِ حُجَّهُ عَلی کلِّ حاضرٍ وَ غائبٍ وَ عَلی کُلِّ اَحَدٍ مِمَّن شَـهِدَ اَو لَم یَشـهَد، وُلِدَ اَو لَم یُولَد فَلیُبَلِّغِ الحاضِرُ الغائِبَ وَ الوالِدُ الوَلَدَ اِلی یَومِ القِیامَهِ. (۱)

من آنچه را مأمور به ابلاغش بودم رسانیدم تا حجّت باشد بر حاضـر و غایب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند؛ بدنیا آمده اند یا نیامده اند. پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.م.

۱- احتجاج، ج ۱، ص ۷۸: خطبه غـدیر در کتاب احتجاج به صورت کامل نقل شده است. از آنجا که در کتاب «اسـرار غدیر» تألیف آقای محمـد باقر انصاری این خطبه از کتاب احتجاج با تحقیقی جامع همراه با اختلاف نسخ نقل شده، ما در این کتاب، خطبه غدیر را از کتاب اسرار غدیر نقل می کنیم.

این ابلاغ، تکلیف همه مردم را تا روز قیامت روشن ساخته است. مسلّما هیچ گونه تخطّی از این امر در هیچ دوره ای بعد از غدیر، جایز نخواهد بود.

همه کسانی که به گونه ای پیام غدیر را دریافت کرده اند - صرفنظر از اینکه در کدام عصر زندگی می کنند - موظّف هستند که در مقابل این اتمام حجت، سر تسلیم فرود آورده، به لوازم آن پایبند گردند و بر هر نسلی واجب است که نسل بعد از خویش را از امر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطّلع سازد.اگر گذشتگان به این واجب عمل نمی کردند، مدّتها قبل، این ندا خاموش گشته بود و این پیام به نسل حاضر نمی رسید.

با وجود اینکه مردم با فاصله کوتاهی بعد از غدیر، دستورالعمل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نادیده گرفتند و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را نپذیرفتند، اما پیام غدیر به گوش نسلهای بعد رسید؛ آنها توانستند وصیّ پیامبر را در زمان خویش بشناسند و هرگز این نور هدایت خاموش نشد. اکنون نیز شاهد هستیم که در زمان آخرین اوصیا حضرت مهدی علیه السلام هم تکلیف وصایت، روشن است؛ گرچه مانند همه اعصار، عامّه مردم از قبول تکلیف خویش - آنچنان که شایسته است - سرباز می زنند و آن را نادیده می انگارند.

بنابراین، ما هم در عصر خویش وظیفه داریم که دیگران را از تکلیفی که بر دوششان گذاشته شده، باخبر کنیم و با واقعیّت غدیر آشنایشان سازیم. به همین ترتیب، این وظیفه تا روز قیامت باقی است و مؤمنان عصر حاضر در سلسله این اِخبار، حلقه اتّصال گذشته و آینده اند. برای عمل به این تکلیف، ابتدا باید بدانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مأمومین خاتم اوصیاء، حضرت مهدی - عجّل

الله تعالی فرجه الشریف - چه خواسته اند و مردم این عصر را به چه امری دعوت فرموده اند و چگونه می توان به این فرمایش ها جامه عمل پوشاند. پس بر هر مسلمانی واجب است که با قول و عمل، به انتقال این پیام مهم، ملتزم گردد؛ چرا که روی سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر با همه انسان ها تا روز قیامت بوده است و مردم در هیچ روزگاری از شمول این دستور، مستثنا نمی باشند.

محتوای اصلی پیام: اعلام ولایت همه ائمّه علیهم السلام تا قیامت

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر از جانب خداوند متعال موظّف شدند که تکلیف وصایت بعد از خویش را در امّت خود، روشن کنند. لذا فرمودند:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوندِ سلام، پروردگارم - که او سلام است - مرا مأمور کرد که در این محلّ اجتماع بپا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که: «علی بن ابی طالب برادر من و وصیّ من و جانشین من [بر امّتم] و امام بعد از من است. نسبت او به من نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبر ی بعد از من نیست. او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است» و خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: «انّما ولیّکم الله و رسوله و الّذین آمنوا الّذین یُقیمُون الصَّلوه و یُؤتُون الزَّکوه و هُم راکِعُون» (۱) صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده، نماز بپا می دارند و در حال رکوع زکات۵.

۱- سوره مائده، آیه ۵۵.

می دهنـد. و علی بن ابی طالب است که نماز را بپا داشـته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداونـد عزّوجل را قصـد می کند. (۱)

علاوه بر این، پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم در طول این خطبه به معرّفی جانشـینان خود پرداخته و تنها به ذکر اسامی ایشان اکتفـا نفرموده انـد؛ بلکه در جـای جای خطبه، اوصاف ایشان را بر شـمرده انـد. از این رو آنگاه که نام علیّ بن ابی طالب علیه السـلام را برده اند، ایشان را با معرّفی خداوند در قرآن کریم متمایز نموده، اعلام فرموده اند که او بعد از من «ولیّ» و «صاحب اختیار» شـماست. زیرا خداونـد که مولا و پروردگار مردم است، پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم را سـرپرست مردم قرار داده است؛ آنجا که می فرماید:

النَّبیُّ اَولی بِالمؤمنینَ مَن اَنفُسِهِم. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به مؤمنان از خودشان اولویّت دارد.

بنـابراین، پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم بـا نصب الهی، بطور مطلق از خود مؤمنـان نسـبت به خودشان سـزاوارترند. به تعبیر دیگر، خداوند ایشان را نسـبت به مردم، اولی به تصـرّف قرار داده است؛ بدین معنا که مؤمنان باید خواست پیامبر صلی الله علیه و آله و سـلم را در همه امـور خـویش بر خواست خود ترجیـح دهنـد و ایشـان نسبت به همه دارایی هـای مؤمنـان از خودشـان سزاوارترنـد. پس پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم می تواننـد هر گونه دخالتی در همه ابعاد زندگی آنها داشـته باشـند. همین مقام پس از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم برای ائمّه علیهم السـلام نیز ثابت است. چنانکه امام حسـین علیه السلام می فرمایند:۶.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۲- سوره احزاب، آیه ۶.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

اَنَا اولی بالمؤمنین منهم بانفسهم ثمّ انتَ یا علیُّ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثمّ بعدَک الحسنُ اولی بالمؤمنین من انفسهم و بعدَه الحسینُ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثمّ بعدَه علیُّ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثمّ بعدَه محمّدٌ اولی بالمؤمنین من انفسهم و بعدَه جعفرٌ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم بعدَه موسی اولی بالمؤمنین من انفسهم ثمّ بعدَه علیٌّ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثمّ بعدَه محمّدٌ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثمّ بعدَه علیٌّ اولی بالمؤمنین من انفسهم ثمّ بعدَه الحسنُ اولی بالمؤمنین من انفسهم و الحجّه بن الحسن اولی بالمؤمنین من انفسهم ائمّهٌ ابرارٌ مَع الحقِّ و الحقُّ معهم. (۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر ابتدا از مردم همین مطلب را اقرار گرفتند و پرسیدند: «ألستُ اولی بکم من انفسکم» و آنگاه که همگی آن را تصدیق کردند، اعلام فرمودند:

مَن کُنتُ مَولاه فَعَلیٌّ مَولاه.

هر کس من مولای اویم پس علیّ مولای اوست.

پس هر کس مولویّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفته است، باید حضرت علی علیه السلام را هم نسبت به خود اولی به تصرّف بداند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین دعا فرمودند:

اللّهمّ والِ من والاه و عادِ من عاداه و انصُر مَن نصره و اخذُل مَن خذله و اَعِن مَن اعانه. ۹.

ص: ۱۴

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹.

خدایا دوستداران او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار نصرت دهندگان او را نصرت بده و خوار کنندگانش را خوار کن و یاری کنندگان او را یاری نما. (۱)

قابل توجّه است که این بخش خطبه در نقل اهل تسنّن هم آمده است. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بخش دیگر خطبه با تأکید بر امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، ولایت بقیّه ائمه علیهم السلام را هم تا روز قیامت تثبیت فرمودند. هر چند که غیر از امام حسن و امام حسین علیهما السلام بقیه ایشان هنوز تولّد نیافته بودند، اما پیامبر گرامی همان روز بر لزوم قبول ایشان تأکید فرمودند:

ای مردم! این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بپا می ایستم. پس بشنوید و اطاعت کنید. در مقابل امر [خداوند] پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید.

فانّ الله عزَّوجَلَّ هو مَولاکُم و اِلهُکم ثُمَّ مِن دُونِهِ رَسُولُهُ وَ نَبِیُّهُ المُخاطِبُ لَکُم ثُمَّ من بَعدی علّی ولیّکم وَ امامُکم بأمر الله ربِّکُم ثمّ الامامةُ فی ذُریّتی من وُلدِهِ الی یَومِ.

۱- کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۹.

۲- در مسند احمد بن حنبل نقل شده است که: اخذ بید علی علیه السلام فقال الستم تعلمون انی اولی بالمؤمنین من انفسهم؟ قالوا: بلی قال: الستم تعلمون انّی اولی بکلّ مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلی قال: فاخذ بید علی علیه السلام. فقال من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۴۰۰. (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) دست علی علیه السلام را گرفت و گفت: آیا می دانید که من نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر هستم؟ گفتند: بله فرمود: آیا می دانید که من نسبت به هر مؤمنی از خودش اولویت دارم؟ گفتند: بله. پس دست علی علیه السلام را گرفت و گفت هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست خدایا دوستداران او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار.

تَلقون اللهَ وَ رَسُولَهُ. (۱)

چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار و معبود شماست و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده (مولای شماست) و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند - پروردگارتان - است و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست (۲) تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد. (۳)

معرّفی خاتم ائمه علیهم السلام حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه بخشی بسیار مهمّی از خطبه غدیر است که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اسم و وصف پرداخته اند و بدین وسیله حجّت را اتمام فرموده اند:

الا انّ خاتم الأئمّه منّا القائم المهدیّ...

بدانید که آخرین امامان از ما، قیام کننده مهدیّ است...

اَلا اِنّه بَشَّر به مَن سَلَفَ مِن القرون بَینَ یَدیه اَلا اِنّه الباقی حُجّهً وَ لا حُجّهَ بَعدَهُ وَ لا حقَّ الّا معه و لا نورَ الّا عِندَه

اوست که پیشینیان از قرنهای گذشته به او بشارت داده اند، اوست که به عنوان حجّت باقی می ماند و بعد از او حجّتی نیست. هیچ حقّی نیست مگر همواره او و هیچ نوری نیست۷.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۱۳.
۲- ائمّه علیهم السلام غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام فرزندان حضرت صدیقه علیها السلام هستند و از طریق ایشان فرزندان پیامبر می شوند. پس یازده امام علیه السلام هم فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند و هم اولاد امیرمؤمنان علیه السلام. در جای خود اثبات شده است که فرزندان هر کس چه از طریق پسر و چه دختر او باشند از نسل او هستند.
۳- اسرار غدیر، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

مگر نزد او.

اَلا و اِنّه ولیُّ الله فی ارضه و حَکَمُهُ فی خَلقِهِ وَ امینُهُ فی سِرّه وَ علانِیَتِهِ.

بدانید که اوست ولیّ خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقش و امین او بر نهان و آشکارش. (۱)

انقیاد و قبول سرپرستی حضرت علی علیه السلام و فرزندان ایشان، امری است که خداوند متعال بر همه مردم تکلیف کرده و بدین وسیله، دین همه را کامل نموده است. این تکلیف تا روز قیامت از هیچ کس ساقط نخواهد شد و البته خداوند متعال توسّط پیامبر خویش، مردم را از عواقب انکار و شک در این امر مطلع ساخته است:

مَعاشرَ النّاس انّه امامٌ مِنَ الله وَ لَن یتوبَ اللهُ علی اَحَدٍ اَنکَرَ وِلایَتَهُ وَ لَن یَغفِرَ لَهُ، حَتماً علی اللهِ اَن یَفعَلَ ذلِکَ بِمَن خالَفَ اَمرَهُ وَ اَن یُعَذِّبَهُ عَذاباً نُکراً اَبَدَ الآباد و دَهرَ الدُّهورِ فَاحذَرُوا اَن تُخالِفُوه فَتَصِلوا ناراً وَقُودَهَا النّاسُ وَ الحِجارهُ اُعِدَّت للکافرین. (۲)

ای مردم! او از طرف خداوند امام است و هر کس ولایت او را انکار کند، خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید، چنین کند و او را به عذابی شدید برای همیشه و تا آخر روزگار، معذّب نماید. پس بپرهیزید از اینکه با او مخالفت کنید که گرفتار ه.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۶۰.

۲- اشاره به آیه ۲۴ بقره.

آتشی می شوید که آتشگیره آن مردم و سنگ ها هستند و برای کافران آماده شده است. (۱)

این تهدید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شامل همه کسانی می شود که در مورد سفارش ایشان حتی نسبت به یکی از ائمه علیهم السلام شک کنند:

مَن شکَّ فی واحدٍ مِنَ الأئمهِ فَقَد شَکَّ فِی الکُلِّ مِنهُم وَ الشاکُّ فینا فِی النّار.

هر کس در مورد یکی از ائمه شک کند، نسبت به همه آنها شک کرده و کسی که در مورد ما (اهل بیت) شک کند در آتش خواهد بود. (۲)

پیمان گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مردم در روز غدیر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان خطبه خویش از مردم دعوت فرمودند که برای بیعت با علی بن ابی طالب علیه السلام ابتدا با شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مصافحه کنند (در حقیقت بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام را بیعت با خود شمردند) و سپس با خود آن حضرت مصافحه نمایند:

اَلا و اِنّی عِندَ انقِضاءِ خُطبَتی اَدعُوکُم الی مُصافَقَتی عَلی بَیعَتِهِ وَ الإِقرارِ بِهِ، ثُمَّ مُصافَقَتِهِ بَعدی.

و بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با خودم به عنوان بیعت با او و اقرار به او و سپس به دست دادن با خود او فرا می خوانم. (۳)۱.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۴۷ و ۱۴۸.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۱۵ و ۱۴۸.

۳- اسرار غدیر، ص ۱۲۸ و ۱۶۱.

همه امت امر شدند که از طریق بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با علی علیه السلام و ائمّه از نسل ایشان بیعت کنند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تصریح فرمودند که این بیعت، معاهده با خداست:

بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است. من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم (خداوند می فرماید) (۱)

اِنَّ الَّذینَ یُبایِعونَکَ اِنَّما یُبایِعُونَ اللهَ یَدُ اللهِ فَوقَ اَیدیهِم فَمَن نَکَثَ فَاِنَّما یَنکُثُ عَلی نَفسِهِ وَ مَن اَوفی بِما عاهَدَ عَلَیهُ اللهَ فسیؤتیه اَجراً عَظیماً... (۲)

کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می کنند دست خداوند بالای دست آنان است پس هر کس این (بیعت را) بشکند این شکستن به ضرر خود اوست و هر کس به عهدی که با خدا بسته وفادار باشد خداوند به او اجر بزرگی عنایت خواهد کرد.

هر چند که خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام نیازی به این بیعت ندارند و ملزم بودن به این عهد و پیمان در جهت منافع خود مردم است اما خداوند به وفاکنندگان آن، وعده پاداش عظیم داده است. بالاترین سودی که از آن برای فرد حاصل می گردد، تحقّق ایمان است؛ چرا که ایمان جز به آن محقّق نمی گردد و هر کس از ایشان روی گرداند، از خداوند روگردان شده است. پس باید ببینیم که این بیعت چگونه حاصل می گردد و مردم همه نسلها تا قیامت چگونه۱.

۱- سوره فتح، آیه ۱۰.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۶۱.

می توانند با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام زمان خویش بیعت کنند تا در زمره مبایعه کنندگان با خداوند درآیند.

نویسنده کتاب مکیال المکارم رحمه الله این بیعت و مبایعه را عهد مؤکّد و پیمان شدید با خدا و رسول او شمرده و تحقّق آن را موکول به دو امر دانسته اند:

اوّل: تصمیم قلبی محکم و ثابت بر اطاعت امر امام علیه السلام و یاری کردن او با نثار جان و مال.

دوم: اظهار کردن آنچه قصد نموده ودل بر آن نهاده بوسیله زبان هنگام بیعت.

و سپس اضافه فرموده اند:

گاهی بیعت در مورد دست در دست هم زدن بکار می رود همچنانکه در بعضی از اوقات بین عربها مرسوم و متداول بوده که پس از اتمام بیع یا بیعت دست بهم می دادند.

... البته مخفی نماند که خود دست بهم زدن بیعت حقیقی نیست بلکه این کار نشانه وقوع و تمامیّت بیعت است و ظاهراً بکار بردن بیعت و مبایعه بر صفقه (۱) و دست بهم زدن از باب نامیدن مسبّب به اسم سبب می باشد و اصل و حقیقت بیعت، عهد و پیمان شدید و مؤکّد است ... هر چند که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علیه السلام با دست بیعت نکرده باشد، همچنانکه بیشتر مؤمنانی که در زمان امامان علیهم السلام بوده اند چنین وضعی داشته اند.).

۱- دست دادن، صفقه را در مورد بیعت کردن نیز بکار می برند چنانکه اهل لغت یاد کرده اند گویند صفقه رابحه یا خاسره یعنی بیعتی سودمند یا زیانبار (مکیال، ج ۲، تکلیف ۳۴).

بنابراین هر چند که دست به هم زدن از نشانه های بیعت است، اما بیعت، موکول به این عمل نیست و البته به هر دست به هم زدنی هم بیعت نمی گویند بلکه التزام قلبی، اوّلین شرط تحقّق آن می باشد. مرحوم صاحب مکیال در حکم بیعت فرموده اند:

بیعت به معنی اوّل بر همه افراد از مرد و زن، برده و آزاد واجب است، بلکه ایمان جز به آن تحقق نمی یابد، چون ایمان همان التزام با دل و زبان به اطاعت فرمان پیغمبر و امام و تسلیم بودن به ایشان و یاری نمودن آنان با جان و مال می باشد. (۱)

بنابراین پذیرش قلبی بیعت با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمّه هدی علیهم السلام در تحقّق این مصافقه واجب است و البته اگر اولی الامر به اقرار زبانی یا دست دادن دستور دهند، بنابر امر ایشان، این اعمال، واجب می گردد؛ هر چند که شرط تحقّق بیعت نیست.

حال ببینیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر چگونه با مردم بیعت کردند. ایشان در خطبه خویش فرمودند:

مَعاشِرَ النّاسِ اِنَّکُم اَکثَرُ مِن اَن تُصافِقُونی بِکفٍّ واحِدٍ فی وَقتٍ واحِدٍ وَ قَد اَمَرَنیَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ اَن آخُذَ مِن اَلسِنَتِکُم الاِقرارَ بِما عَقَّدتُ لِعَلیٍّ اَمیرِالمؤمنین وَ لِمَن جاءَ بَعدَهُ مِن الاَئِمَّهِ مِنّی وَ مِنهُ عَلی ما اَعلَمتُکُم اَنَّ ذُرِّیَّتی مِن صُلبِهِ.

ای مردم! شما بیش از آن هستید که با یک دست، در یک زمان با من دست دهید و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم درباره آنچه منعقد نمودم برای علی۴.

۱- مکیال المکارم، ج ۲، تکلیف ۳۴.

امیرالمؤمنین و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند، چنانکه به شما فهماندم که فرزندان من از نسل اویند. (۱)

بنـابراین پیـامبر صـلی الله علیـه و آلـه و سـلم بـه مقتضـای شـرایط و کـثرت جمعیت، در مرحله اول به اقرار قلـبی و زبـانی اکتفا فرمودند. سـپس برای رسـمی تر شدن بیعت دسـتور فرمودند که دو خیمه برپا داشـتند و خودشان و امیرالمؤمنین علیه السلام در آن جلوس فرمودند و مردم دسـته دسـته ابتدا با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سپس با امیرالمؤمنین علیه السلام دست داده، تبریک و تهنیت گفتند. (۲)

پس نحوه بیعت با پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و ائمّه هدی علیهم السلام منحصر در عمل ظاهری دست دادن نیست؛ بلکه در هر عصـر و روزگاری، در ظهور یا غیبت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و امام علیه السـلام می توان با قلب خود با ایشان بیعت نمود و چه بهتر که سرچشـمه هـای این تعهّـد قلبی بر زبـان نیز جاری شود؛ ماننـد ادعیه مأثوری که از ائمّه علیهم السـلام تحت عنوان تجدید بیعت در هر جمعه وارد شده است. (۳) البته کمال سعادت مؤمن است که توفیق یابد به عنوان بیعت، دست در دستان مبارک مولایش بگذارد. اما افسوس که مؤمنان زمان غیبت، بطور عادی از این امر محروم هستند.م.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۳۱ و ۱۶۴ و ۱۶۵.
۲- اسرار غدیر، ص ۳۹.
۳- مکیال المکارم، ج ۲، بخش ششم.

لزوم پیمان بستن همه مخاطبان غدیر بر محتوای آن

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از انشاء خطبه غدیر به امر خداوند اقدام به اخذ بیع برای امیرالمؤمنین و ذریّه ایشان علیهم السلام نمودند:

فَاُمِرتُ اَن آخُذَ البَیعَهَ مِنکُم وَ الصَّفقَهَ لَکُم بِقَبولِ ما جِئتُ به عَنِ الله عزّوجلّ فی علیٍّ امیرِالمؤمنین و الاوصیاء من بَعدِهِ الَّذین هُم منّی وَ مِنه اِمامهً فیهم قائِمَهً خاتِمُها المهدیُّ.

پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عزّوجلّ درباره امیرالمؤمنین علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند (و آن موضوع) امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود و آخر ایشان مهدی است. (۱)

مخاطبان این امر، تنها کسانی نیستند که در آن سال در غدیرخم، جمع شده بودند؛ بلکه تا قیامت همه کسانی که بخواهند در مسیر خداشناسی و دینداری حرکت کنند، باید این دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفته، با ایشان بیعت کنند. هر چند که دست دادن با ایشان در همه اعصار مقدور نیست اما همه موظف هستند که بر محتوای آن پایبند بوده، در هر زمانی که زندگی می کنند، با اطاعت از امام زمان خویش، دست بیعت به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دراز کنند و در حقیقت با پذیرش ولایت امام زمان با خداوند متعال بیعت نمایند.

مَعاشِرَ النّاس فَبایِعُوا اللهَ و بایِعُونی و بایِعُوا علیّاً امیرَالمؤمنین و الحسنَ و الحسینَ و الائمهَ [منهم فی الدّنیا و ۳.

ص: ۲۳

۱- اسرار غدیر، ص ۱۲۹ و ۱۶۳.

الاخره] کلِمهً با قیهً یُهلِکَ اللهُ مَن غَدَرَ وَ یَرحَمُ مَن وَفی.

ای مردم! با خـدا بیعت کنیـد و با من بیعت نماییـد و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسـین و امامان [از ایشان در دنیا و آخرت] بعنوان امـامتی که در نسـل ایشـان بـاقی است. خداونـد غـدر کننـدگان (بیعت شـکنان) را هلاک می سازد و وفاداران را مورد رحمت قرار می دهد. (۱)

هر چند که مردم دوران غیبت حضـرت مهدی علیه السلام نمی توانند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام خویش مصافقه کننـد اما با پایبنـدی بر محتوای غـدیر و موالات و تسـلیم نسـبت به امام علیه السـلام می توانند در زمره بیعت کنندگان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درآمده، رستگار شوند.

تجلّی محتوای دقیق پیام غدیر در متن بیعت و پیمان

از آنجا که تعـداد افراد حاضـر در غـدیرخم بسـیار زیاد بود، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم ابتدا بیعتی به صورت اقرار زبانی منعقد فرمودند. آنچه پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم در متن این اقرار نامه، کلمه به کلمه القا فرمودند، خود تجلّی گاه دقیقی برای پیـام غـدیر بـود. رسـول خـدا صـلی الله علیـه و آله و سـلم در این قسـمت از برنـامه غـدیر، بـا ظرافت تمـام به مردم فهماندنـد که این بیعت چه وظیفه ای بر عهـده آنها خواهد گذاشت واز این طریق گستره مسؤولیت آنها را در قبال اولیای الهی تا روز قیامت معیّن فرمودند:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرمودند مردم به صورت دسته جمعی بگویند:۶.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۳۳ و ۱۶۶.

أُنّا سامِعُون مُطیعُونَ راضُونَ مُنقادُونَ لِما بَلَّغتَ عَن رَبِّنا و رَبِّکَ فی اَمرِ اِمامِنا علیٍّ امیرِالمؤمنین وَ مَن وُلِدَت مِن صُلبِهِ مِنَ الاَئِمَّهِ. (۱)

ما شنوا و مطیع و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت به ما رساندی؛ درباره امامت امامان علی امیرمؤمنان و امامانی که از صلب او و به دنیا می آیند.

سپس درباره کیفیّت بیعت آنها نیز اقرار زبانی گرفتند که:

نُبایِعُکَ عَلی ذلِکَ بِقُلوبِنا وَ اَنفُسِنا وَ اَلسِنَتِنا وَ اَیدینا عَلی ذلِکَ نُحیی وَ عَلَیهِ نَمُوتُ وَ عَلَیهِ نُبعَثُ وَ لا نُغَیِّرُ وَ لا نُبَدِّلُ وَ لا نَشُکُّ [وَ لا نَجحَدُ] وَ لا نَرتابُ وَ لا نَرجِعُ عَنِ العَهدِ وَ لا نَنقُضُ المیثاقَ. (۲)

بر این مطلب با دلهایمان و جانهایمان و زبانهایمان و دستهایمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و [روز قیامت] با آن محشور می شویم. در آن تغییر نمی دهیم و چیز دیگری جایگزین آن نمی کنیم و شک نمی کنیم [و انکار نمی نمائیم] و تردید به دل راه نمی دهیم و از این عهد بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این قسمت خطبه از مردم اقرار گرفتند که همه توانایی ها و دارایی های خویش را در خدمت امیرمؤمنان علیه السلام و ائمّه علیهم السلام از نسل ایشان بکار گرفته، در این راه حتّی از بذل جان ۲.

ص: ۲۵

۱- اسرار غدیر، ص ۱۳۱.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

خویش هم دریغ نورزند (انفسنا) سپس از مردم تعهّد گرفتند که تا زنده هستند و حتّی بعد از مرگ، از عهد و پیمان خویش بر نگردند و در این راه ثابت قدم باشند. در ادامه باز تأکید فرمودند که:

فَالعَهدُ و المیثاقُ لَهُم مَأخوذٌ مِنّا، من قُلوبِنا وَ اَنفُسِنا وَ اَلسِنَتِنا وَ ضَمایِرِنا وَ اَیدینا. (۱)

پس برای آنان عهد و میثاق از ما گرفته شده، از دلهایمان و جانهایمان و زبانهایمان و باطن های ما و دستهایمان.

این نوع بیعت زبانی نشان می دهد که گویی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به این امّت، احساس خطر کرده اند و با هر روشی می خواسته اند آنها را از سرپیچی و کجروی بازدارند و به مردم بفهمانند که وظیفه آنها این است که با جان و قلب و زبان و دست و در حقیقت با همه وجود، اطاعت از ائمّه اطهار علیهم السلام کنند و این اطاعت هم برخاسته از همه جانشان باشد. به عبارت دیگر، این وظیفه از مردم خواسته شده که ائمّه علیهم السلام را به معنای کامل کلمه، مولای خویش بدانند؛ همانطور که در طول خطبه، بارها و بارها بر «مولویّت» ایشان تأکید فرموده اند.۲.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۳۲.

پیمان بندگی

معانی و شؤون مولی و عبد

کلمه مولی در عربی جزء اضداد است؛ یعنی به دو معنای کاملاً ـ ضدّ یکدیگر بکار می رود. یکی از معانی آن «مالک و صاحب اختیار» و دیگری به معنای «عبد» است. (۱) این لغت در روایات و ادعیه مأثور هم به صورت متضاد بکار رفته است. به عنوان نمونه در زیارت اوّل امام حسین علیه السلام زائر به امامش چنین عرض می کند:

اَنَا عبدُ الله وَ مُولاک. (۲)

در اینجا مولی مترادف عبد بکار رفته است. اما در اذن دخول سرداب مطهّر، خطاب به امام زمان علیه السلام می خوانیم:

مَولایَ فَإن اَدرَکتُ اَیّامَکَ ... فَها اَنَا ذا عَبدُکَ المُتَصَرِّفُ بَینَ۸.

ص: ۲۷

۱- المعجم الوسیط، ص ۱۰۵۸.

۲- کامل الزیارات، باب ۷۹، ص ۲۱۸.

اَمرِکَ وَ نَهیِکَ (۱)

مولای من، اگر ایام ظهور تو را درک کنم ... پس من همان غلام تو هستم که مطابق با امر و نهی تو رفتار می کنم.

معنای اخیر مولی به صاحب اختیار و اولی به تصرّف بر می گردد. «مولی» در مقابل «عبد» به کسی اطلاق می شود که خواستش بر خواست غلام، مقدّم باشد. به تعبیر دیگر «مولویّت» همان «آقایی کردن» است. مقام مولویّت در مقابل عبدی مطرح است که ملتزم به دستورات مولاست. روشن است که این دو اصطلاح، لازم و ملزوم یکدیگر هستند. لازمه مولی بودن شخص این است که عبدی داشته باشد و گرنه به او مولی گفته نمی شود. لذا هر مولایی عبدی دارد و لازمه هر عبودیّتی، مولویّت است. مولی و عبد مانند پدر و پسر، دو مفهومی هستند که دارای دو طرفند و یکطرفه صدق نمی کنند. لذا تحقّق دو معنای مولی و عبد را باید با هم بدانیم و توجّه داشته باشیم که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر، پیمان بر مولویّت اهل بیت علیهم السلام منعقد فرموده اند، در حقیقت از مردم عهد گرفته اند که عبد ایشان باشند.

پس جا دارد که درباره عبد و مصادیق و لوازم آن دقّت بیشتری مبذول داشته شود. در زیارت هفتم امام حسین علیه السلام که به زیارت وارث معروف است، چنین آمده است:

السلامُ علیکَ یابنَ اَمیرِ المؤمنین عَبدُک و ابنُ عبدِک و ابنُ أمَتِکَ المُقِرُّ بِالرِّقِّ ... قَصَدَ حَرَمَکَ وَ استَجارَ بِمَشهَدِکَ. (۲)۹.

ص: ۲۸

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۸.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۹۹.

سلام بر تو ای پسر امیرمؤمنان! غلام تو و پسر غلامت و پسر کنیزت در حالیکه اقرار کننده به غلامی توست ... قصد حرم تو را کرده و مجاور با محل شهادت تو شده است.

در این بخش، اظهار عبودیّت با اقرار به «رقّیت» تثبیت گشته است. «رقّیت» که به معنای غلامی است، در مورد کسی اطلاق می شود که دارای مالکی باشد. مولی از آنجا که صاحب عبد است، نسبت به او مولویّت دارد؛ یعنی صاحب اختیار اوست.

به تعبیر دیگر، مولویّت از شؤون مالکیّت است. اگر کسی مالک دیگری بود، بر او حقّ مولویّت پیدا کرده، مملوک، غلام او می شود؛ درست مانند رابطه ای که در قدیم بین مولی و عبد برقرار بوده و مولی با پرداخت وجهی، مالک عبد می شده و غلام یا کنیز در حقیقت مملوک او بوده اند و همه شؤون غلامی یا کنیزی بدنبال این مالکیّت مطرح می شده است. بدین ترتیب، مولی بر عبد خود، سلطنت و ولایت و حقّ امر و نهی و برتری و بزرگی و غلبه پیدا می کرده است.

مولویّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام به جهت مالکیتی است که خداوند به ایشان اعطا کرده است. خداوند متعال، مالک حقیقی همه مخلوقات است و مالکیت او بالذّات می باشد؛ یعنی دیگری او را مالک نکرده و خداوند در مالکیت خود بی نیاز است. به عبارت دیگر، مالکیت او بالغیر نیست؛ بلکه هر کس هر چه دارد، خدا او را مالک کرده است و مخلوقات تنها مالکیت بالله را دارا می شوند. در مالکیت بالغیر،؛ بی نیازی وجود ندارد؛ یعنی غیر خدا به خودی خود، هیچ ندارد و تنها مالک چیزهایی است که خدا به او تملیک

کرده است. پس حقّ مالکیت حقیقی، تنها از آن خداست.

و چون مولویّت برخاسته از مالکیت است، پس مولویّت بالذّات هم فقط از آن خداست و همه شؤون مولویّت، منحصر در اوست. همه مخلوقات بندگان او هستند و همانطور که کسی به ذات خود نمی تواند مالک باشد و استقلالی در مالکیّت ندارد، به ذات خود مولی هم نمی شود؛ چون مولویّت از شؤون مالکیّت است. پس مولویّت هم فقط باالله محقّق می شود و مولویّت بالذّات برای غیر خدا منتفی است.

اما همانطور که غیر خدا بالله مالک می شود، خداوند متعال می تواند شخص را در مالکیت دیگری درآورده، و او را مولی قرار دهد و البته حوزه مالکیّت مخلوقات بر یکدیگر را خداوند تعیین می کند. رابطه مولی و عبد که میان دو نفر در قدیم بوده، مالکیّت تشریعی مولی و عبد را در یک محدوده معیّن، ثابت می کرده است.

به همین صورت، خداوند متعال مالکیّت و ولایت را در حدّ وسیعی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سپس به امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمّه از نسل ایشان عطا کرده است و قلمروی ولایت آنان را شامل امور تکوینی و تشریعی قرار داده است. البته این ولایت در عین مطلق بودنش، بالله است و هیچ شباهتی با مالکیّت و ولایت ذاتی خدا ندارد. ایشان به معنای حقیقی «ولی الله» هستند؛ یعنی خداوند متعال ایشان را ولیّ مطلق قرار داده است.

چنانکه بیشتر بیان شد، مولی و عبد لازم و ملزوم یکدیگرند و هر جا مولایی مطرح باشد، عبدی نیز هست. بنابراین خداوند متعال که اهل بیت علیهم السلام را مولای مؤمنان قرار داده، در حقیقت به ایشان امر

فرموده که عبـد آنها باشـند و البته «عبدالله» بودن با عبد امام بودن تفاوت ماهوی دارد. همانطور که بین مالکیّت و مولویّت خدا و اهـل بیت علیهم السـلام هیـچ سـنخیّتی وجود نـدارد، بین عبودیتّ آنها نیز تشبیهی نخواهـد بود؛ لـذا بکار بردن تعابیری مانند «عبدالحسـین» یا «عبدالعلی» و «عبدالمهدی» اشـکالی ندارد و هیچ شرکی لازم نمی آید ولی معنایش با «عبدالله» کاملاً متفاوت است.

معنـای لغوی «عبـد» و تفـاوت آن بـا «عابـد»، خود، تأییـدی بر این مطلب است. لغت «عبـد» در عربی به معنـای مملوک و رقیق (غلام) آمـده است و جمع آن به صورت عَبیـد، عُبَیـد، اَعبُـد، عُبـدان و عِبـدان بکار می رود ولی «عابـد» یعنی پرسـتش کننده و موحّد و جمع آن عَبَدَه، عُبّد، و عُبّاد است. (۱) آنچه منحصر در خداست، پرستش و عبادت است که همان مملوکیت و اطاعت استقلالی می باشد و جز برای خداوند متعال فرض نمی شود. هیچ کس مجاز نیست که عبادت غیر خدا را بکند و لذا برای غیر خـدا تعبیر «عابـد» بکار نمی رود و ما نمی توانیم بگوئیم عابِد ائمه علیهم السـلام هستیم. اما کلمه عبـد می تواند برای غیر خدا بکار رود و می توانیم بگوییم که مؤمنان عبید ائمه علیهم السلام هستند.

بنابراین آنچه بایـد از ائمه علیهم السـلام نفی شود، آن معنای بندگی است که مختصّ خداوند و بالذّات می باشد و از غیر خدا منتفی می شود؛ اما آنچه درباره ایشان اثبات می گردد، معنای صـحیح و مقبولی است که به اطاعت کامل و بدون قید و شـرط مؤمنان از آنان بر می گردد. لذا ۹.

ص: ۳۱

۱- المعجم الوسیط، ص ۵۷۹.

در روایات می بینیم که گاهی ائمه علیهم السلام عبد بودن انسان ها نسبت به خود را نفی کرده و در عین حال ثابت نموده اند که نسبت به همه مردم مولویّت بالله دارند.

امام رضا علیه السلام به اسحاق بن یعقوب که در بین جمع بنی هاشم خدمت ایشان بود، فرمودند:

یا اسحاقُ! بَلَغَنی اَنَّ النّاسَ یَقُولُونَ: اِنّا نَزعُمَ اَنَّ النّاسَ عَبیدٌ لَنا. لا وَ قَرابَتی مِن رَسولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم ما قُلتُهُ قَطٌّ وَ لا سَمِعتُهُ مِن آبائی قالَهُ وَ لا بَلَغَنی عَن اَحَدٍ مِن آبائی قالَهُ وَ لکِنّی اَقُولُ: النّاسُ عَبیدٌ لَنا فِی الطّاعَهِ، مُوالٍ لَنا فِی الدّینِ فَلیُبَلِّغِ الشّاهِدُ الغائِبَ. (۱)

ای اسحاق به من خبر رسیده که مردم (اهل سنت) می گویند ما عقیده داریم که مردم بنده ما هستند. نه، سوگند به خویشی و قرابتی که با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دارم. نه من هرگز این سخن را نگفته ام و نه از پدرانم شنیده ام و نه به من خبر رسیده که یکی از آنها گفته باشد ولی من می گویم مردم از جهت (لزوم) اطاعت، غلام ما هستند. و در دین پیرو ما هستند پس هر سک حاضر است به غایبان برساند.

در این حدیث شریف، عبد بودن مردم نسبت به ائمه علیهم السلام به معنایی که برای خداوند، متعال بکار می رود، نفی شده و به معنای لزوم اطاعت محض (که به غلامی تعبیر می کنیم) اثبات شده است. مؤمنان هم عبید خدا هستند و هم عبید ائمه علیهم السلام ولی لفظ عبد و ۰.

۱- اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجّه، باب وجوب طاعه الائمّه علیهم السلام، ح ۱۰.

عبید در این دو مورد بمعنای کاملاً متفاوت و غیر مشابه بکار می رود.

پس انسان از آن جهت که ذاتاً مربوب خداست، ذاتاً عبد اوست و اگر خداوند مخلوقی را مملوک دیگری قرار دهد، آن مخلوق را می توان بالله عبد او دانست و حوزه لزوم اطاعت از هر فردی بستگی به مولویّتی دارد که خدا به مالک او عطا فرموده است. در مورد اهل بیت علیهم السلام نیز باید بگوییم که خداوند آنها را صاحب اختیار مطلق قرار داده است. بنابراین لازمه عبد بودن انسان نسبت به امام علیه السلام این است که ایشان را صاحب اختیار در همه امور خویش بداند و لذا بطور کامل و مطلق و نه ناقص و مقیّد، از ایشان اطاعت کند و به مولویّتشان اقرار داشته باشد.

مراتب مولویّت و عبودیّت

اقرار به مولویّت امام علیه السلام و عمل به لوازم آن، دارای مراتب مختلفی است که دقیقاً به ایمان شخص بر می گردد. پائین ترین درجه قبول مولویّت ایشان این است که اگر امام علیه السلام امر و نهی نسبت به انسان داشته باشد، حتماً اطاعت کند و برای ایشان حقّ امر ونهی قائل شود. از آنجا که ائمّه علیهم السلام ولیّ الله هستند، این حق از جانب خداوند به ایشان اعطا شده است و اگر کسی اقرار به این حدّاقلّ مولویّت نداشته باشد، در حقیقت، قائل به ولایت ائمّه علیهم السلام نیست و لذا از دایره ایمان خارج می گردد.

مرتبه بالاتر قبول مولویّت وقتی محقّق می شود که عبد با توجّه به معرفت و ارادتش به امام علیه السلام خواست ایشان را در هر مسأله ای

جستجو کند؛ هر چند که در مورد آن، امر و نهی خاصّی نداشته باشند. در این رتبه، عبد سعی می کند که قلب و اعضا و جوارح خویش را بیشتر به سمت رضای مولایش سوق دهد. پیداست کسی که خشنودی مولایش را بر خشنودی خود مقدّم بدارد و در حقیقت، خشنودی او را خشنودی مولایش تشکیل دهد، در اقرار و عمل به عبودیّت خویش نسبت به مولایش در رتبه بالاتری قرار دارد.

بالاترین درجه عبد بودن عبارتست از اینکه عبد، همه هستی و امکاناتی را که در اختیارش می باشد، واقعاً و حقیقتاً ملک مولای خود بداند و هیچ کدام از آنها را جز در مسیری که مورد رضا و خشنودی ایشان است، به کار نبندد؛ و اصولاً همه دارایی ها را فقط برای ولیّ نعمت خود بخواهد و در این خواست، دیگران و حتی خودش را سهیم نکند. البته این مقام بسیار بالایی است که هر مؤمنی به سادگی توفیق درک آن را پیدا نمی کند؛ ولی هر کس باید سعی کند خود را در اعتقاد و عمل، هر چه بیشتر به این درجه نزدیک کند. اگر در خواسته های قلبی خود حتی چند مورد را مطابق خشنودی امامش قرار دهد و میل و اراده خود را کنار گذارد و در آن موارد جز به آنچه مولایش می پسندد، فکر نکند و امکاناتش را جز در راه رضای ایشان بکار نبندد، قدمی به این مرتبه عالی نزدیک شده است. برداشتن این قدم، زمینه و مقدّمه ای برای گام های بعدی می شود.

به هر حال، پیام غدیر، اقرار به مولویّت امام علیه السلام و عمل به لوازم آن است. هر کس هر مقدار در این زمینه موفّق باشد، به همان میزان به آن ایمان آورده است و هر مؤمنان در این مورد، دارای مراتب متعدّد و مختلفی هستند.

ص: ۳۴

وظیفه مسلمانان در قبال امام زمان علیه السلام طبق دستور خدای متعال

آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر بر همه مسلمانان تکلیف فرموده اند، این است که امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه از فرزندان ایشان تا حجه بن الحسن – عجّل الله تعالی فرجه الشریف – را مولای خویش بدانند و قید غلامی ایشان را بر گردن انداخته، به لوازم آن مقیّد گردند. سپس باید بدانیم که رابطه مولی و عبد، برای ما که مأموم حضرت مهدی علیه السلام هستیم، چگونه تحقّق می یابد؟

مرحوم صاحب مکیال رحمه الله در بیان شصت و پنجمین وظیفه در قبال امام زمان علیه السلام چنین فرموده اند که:

بدنت باید نسبت به ایشان خاضع باشد.

سپس در بیان دلیل خشوع بدنی در مقابل امام علیه السلام به دعای امام صادق علیه السلام در روز جمعه استناد کرده اند که:

اللّهمَّ اِنّی اَتَقَرَّبُ الیک بِقَلبٍ خاضِعٍ وَ اِلی وَلِیِّکَ بِبَدَنٍ خاشِعٍ وَ اِلیَ الاَئِمَّهِ الرّاشِدینَ بِفُؤادٍ مُتَواضِعٍ. (۱)

خدایا من با قلب خاضع به تو تقرب می جویم و به ولیّ تو با بدن خاشع و به ائمه راشدین با قلب متواضع تقرب می جویم.

سپس توضیح فرموده اند که منظور از «ولی خدا» هم اکنون حجّه بن الحسن ارواحنا له الفداء است و اضافه کرده اند که:

مراد از خشوع بدن، بنابر آنچه از تأمّل در کتابهای لغت و موارد استعمال آن به دست می آید و برای اهل تتبّع و تدبّر در آیات و روایات مأنوس می باشد، این است که اعضای بدن خود را با۰.

۱- جمال الاسبوع، ص ۲۳۰.

حال بیچارگی و خواری در جهت خدمت کردن به مولای خود و انجام کارهایش بکار بگیری در حالی که بزرگی و برتری ایشان را بر خود بشناسی و خود را نسبت به ایشان کوچک و پست ببینی و حقّ ایشان و لزوم فرمانبری از ایشان را بر خود معتقد باشی؛ همانطور که غلام نسبت به آقا و ارباب خود چنین است.

البته لازمه اینکه شخص اینگونه در بارگاه مولای خویش غلامی کند، اینست که وظیفه اش را بشناسد تا بتواند بدان ملتزم گردد. بدین منظور مناسب است که توجه کنیم در قدیم، بنده ها نسبت به مولایشان چه موقعیّتی داشته اند تا گوشه ای از وظایف ما نسبت به امام زمان علیه السلام مشخّص گردد.

روشن است که همه امور بنده باید برای مولی باشد. پس خواب و بیداری، نشست و برخاست، سفر و حضر و حتی خوشحالی و ناراحتی ما باید مطابق خواست مولایمان حجه بن الحسن علیهما السلام باشد و این شیوه باید در همه زندگی جریان یابد.

بنده باید همه توانایی های خویش را در جهت رضای مولایش بکار بندد و برای خودش زندگی نکند؛ بلکه سمت و سوی زندگی اش را مولایش رقم زند.

مرحوم سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی - صاحب مکیال - در ادامه فرموده اند:

فانّ العبد العارف بمعنی العبودیّه و المولویّه یعلم انّ من لوازم عبدیّته استعمال جوارحه فی خدمه مولاه و اطاعته.

بنده ای که معنای عبودیّت و مولویّت را می شناسد، می داند که

از لوازم عبد بودنش این است که اعضا و جوارح خود را در خدمت و اطاعت مولایش بکار گیرد.

البته عبد با این که با همه توان در خدمت مولایش قرار می گیرد، در قبال عمل خویش هیچ حقّی را مطالبه نمی کند و هیچ منّتی هم ندارد؛ چرا که همه اعمال خویش را وظیفه می داند و در صورت کوتاهی کردن در انجام وظیفه، خود را مستحقّ سرزنش می شمارد:

و وقتی جوارحش را در خدمت مولایش قرار می دهد، هیچ فکر نمی کند که بر مولایش منّتی یا حقّی دارد بلکه یقین دارد که اگر در خدمتگزاری و یا اطاعت امرش کوتاهی و سستی کند، مقصّر است و اگر بر مولای خود گردنکشی کند یا از خدمت به او سرباز زند، نزد عقلا مطرود و مذموم می باشد.

بنابراین کسانی که حضرت مهدی - عجّل الله تعالی فرجه الشّریف - را مولای خود می دانند، همواره باید اعمال خویش را مورد بررسی قرار دهند که مرتکب کوتاهی در ایفای وظیفه غلامی نگشته و چیزی از حقوق ایشان را پایمال نکرده باشند. این، کمترین حقی است که بر عهده هر غلامی قرار داده شده است و به طریق اولی برای کسی که خداوند متعال مولویّت تامّه او را مقرر داشته، صادق خواهد بود:

پس وقتی حال غلامی که یکی از مردم او را با چند درهم معدود خریده است، اینگونه باشد و این مولی این مقدار حقّ و مولویّت نسبت به غلامش پیدا کند، پس چگونه است حال مولایی که خداوند متعال برایش مولویّت تامّه قرار داده است و این معنی را در کتاب عزیز خود چنین روشن بیان فرموده:

النَّبِيُّ اَولی بِالمُؤمِنینَ مِن اَنفُسِهِم [(۱)] و این مقام را بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای امام علیه السلام مقرر فرموده است. [(۲)]

وقتی با چند درهم پول دادن، این مقدار حق ایجاد گردد، حدّاقل وظیفه انسان در قبال امام علیه السلام روشن می شود و این موضوع مهم در حقیقت، اصل پیام غدیر است. این مطلب باید همواره مورد توجّه باشد که مالکیت امام زمان علیه السلام بر مردم از طریق معامله آنها صورت نگرفته است؛ بلکه پروردگار ربّ العالمین ایشان را مالک همه مخلوقات زمین و آسمان قرار داده است و اصلاً خود آسمان و زمین را هم به برکت ایشان برپا کرده و خلقت همه دنیا و آخرت برای ایشان است. [(۳)] بنابراین شایسته است که طبق امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر همواره متوجه اولویّت ایشان بر همه و بر نفس خویش باشیم و پایبند به لوازم این مولویّت بگردیم.

رابطه مولی و عبد

از مباحث گذشته نتیجه می شود که رابطه مؤمنان با امام زمان علیه السلام باید رابطه عبد با مولایش باشد. بنابراین شیعیان باید با دقّت در معنای «ولیّ» و «مولی» و لوازم آن، به وظایف خویش در قبال امام علیه السلام هر چه بیشتر آشنایی پیدا کنند.

لازمه اعتقاد به ولایت و مولویّت امام علیه السلام این است که مؤمن برای ایشان در همه امور مربوط به خود، اولویّت قائل باشد. مثلاً:

۱- سوره احزاب، آیه ۶.

۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱۲.

۳- برای مطالعه بیشتر در این موضوع به کتاب «آفتاب در غربت» نوشته همین مؤلّف صفحات ۱۱۵ تا ۱۳۰ مراجعه شود.

وقت و عمر خود را بیش از آن که متعلّق به خود می داند، متعلّق به امام علیه السلام بداند و برای ایشان در این که عمر خود را چگونه بگذراند، اولویّت قائل باشد. در دارایی ها و اموال خود، حقّ امام علیه السلام را بر حقّ شخصی اش مقدّم بدارد؛ به این معنا که بیش از خودش برای امامش قائل به حقّ تصرّف در اموالش باشد. اگر آبرویی نزد مردم دارد، بهره برداری از این آبرو را در درجه اول، حقّ امام علیه السلام و از آن ایشان بداند. قوای بدنی و روحی خود را بیش از آن که از آن خود بشمارد، متعلّق به امامش بداند و برای ایشان در اینکه چگونه از این قوا استفاده کند، نسبت به خود، اولویّت قائل باشد. اگر فرزند یا فرزندانی دارد، آنها را در حقیقت، فرزندان امام علیه السلام و امانت ایشان در دست خود بداند و بنابراین خود را موظّف بداند که آنها را مطابق میل آن حضرت تربیت کند و خواست امام علیه السلام را در این امر بر خواست خود مقدّم بدارد.

ولیّ بودن امام علیه السلام به معنای اولی به تصرّف بودن ایشان در همه امور، مربوط به مؤمنان است و لذا مأمومین ایشان باید نسبت به هر چه مالک هستند، امامشان را املک از خود بدانند؛ به این معنا که حقّ ایشان را در مورد آنها مقدّم بر خود بشمارند. تا آنجا که هر یک از ایشان امکانات خود، اعمّ از دست و زبان و پول و حتی قلب خویش را بیش از آن که دارایی خود بشمارد، از آن امامش بداند و در مورد همه دارایی هایش - اعمّ از مادی و معنوی - امام را اولی از خودش بداند.

در کتاب شریف مکیال المکارم به مناسبت بحث درباره «ولایت» امام زمان علیه السلام که آن را «سلطنت» و «استیلا» معنا کرده است، می فرماید:

و مقتضی اذعانک بأنه اولی بک من نفسک فی جمیع ما یتعلّق بک أن تعجله اولی منک فی جمیع ما تحبّه لنفسک و تجعل السعی فی حاجته مقدّماً علی حاجتک. (۱)

لازمه اقرار کردن تو به این که امام علیه السلام از خودت نسبت به خودت در همه امور مربوط به تو اولویّت دارد این است که ایشان را در همه آنچه برای خودت دوست می داری، بر خود اولی و سزاوارتر قرار دهی و کوشش کردن برای خواسته ایشان را بر خواسته خودت مقدّم بداری.

سپس برای تأیید این معنا به عبارتی از زیارت جامعه کبیره استناد کرده اند که می فرماید:

و مُقَدِّمُکُم اِمامَ طَلِبَتی وَ اِرادَتی فی کُلِّ اَحوالی وَ اُمُوری. (۲)

خلاصه، لازمه قبول ولایت امام علیه السلام این است که در همه حالات و امور شخصی، خواست و میل ایشان بر خواست و میل فرد، مقدّم باشد و مؤمن، امامش را بیش از خودش نسبت به همه امورش صاحب حق بداند.

بدین ترتیب، بنده نمی تواند در تمام طول شبانه روز به دنبال کار خود باشد بلکه باید ببیند مولایش به او چه امر می کند و سراغ اوامر ایشان برود.

برای روشن شدن این مطلب می توان مثال شخصی را مطرح کرد که کارمند اداره ای شده که در ازای دریافت حقوقی باید ساعاتی را که متعهّد گشته، در آنجا کار کند. در این میان، کارمند نمی تواند۳.

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۹۱ المقام الثالث.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۵۳.

هر کاری خودش می خواهد انجام دهد، بلکه توان و وقت او متعلّق به صاحب کارش می باشد.

وظایفی که شرع مطهّر بر انسان در مورد همسر و فرزند و همسایگان و نیازمندان و ... معیّن فرموده، همگی خواست مولای غایب حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است که مؤمن هر قدر در اعتقاد به مولویّت ایشان عمیق تر و محکم تر باشد، به این تکالیف شرعی مقیّدتر خواهد بود. آنچه مهمّ است این است که مؤمن با چه اعتقادی به انجام وظایف شرعی خویش بپردازد. نیّت شخص، تعیین کننده ارزش عمل اوست.

بنابراین اگر مؤمنان در زمان غیبت بخواهند پایبند به بیعتی باشند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسته شده است، باید نسبت به امام زمان علیه السلام اینگونه باشند و ایشان را ولیّ الله در زمین بدانند. پس همه مردم اعم از زن و مرد، شاغل و غیر شاغل، باسواد و بی سواد، ثروتمند و فقیر ... باید همه امورشان برای حجّه بن الحسن علیهما السلام باشد؛ هیچ گونه استقلالی برای خود قائل نبوده، همه توانایی های و اعضا و جوارح خود را در خدمت ایشان بکار بندند؛ هر عملی که می خواهند انجام دهند، باید بررسی کنند که آیا مولای ما چنین کاری از بنده اش خواسته است؟ و یا حدّاقل به انجام این عمل راضی است؟ مسلماً اگر کسی خود را عبد بداند، نمی تواند ادّعا کند که هر طور که خودش می پسندد، می تواند زندگی کند.

عبد باید در تمام زندگی اش برای مولای خودیش اولویّت قائل شود و زندگی اش را در جهت رضای او سامان بخشد. لذا اگر می خواهد کاسبی کند و درآمدی بدست آورد، باید آنگونه عمل کند

که مولی می پسندد و گرنه درآمدش حلال نخواهد بود. اگر امکانات و فعّالیّت ها و توانمندی های فرد در راستای رضای مولایش صرف نشود، دیگر نمی توان به او «عبد» گفت.

کسی که به ولایت امام زمان علیه السلام اقرار دارد، در دینداری خود نیز باید رضای ایشان را جلب نماید و نمی تواند مطابق میل و سلیقه خود عمل کند. حتی اگر احتمال دهد که ولیّ نعمتش از امری کراهت دارد، هرگز به آن مبادرت نمی ورزد و از نزدیک شدن به موارد مشکوک نیز خودداری می کند. اینجاست که «ورع» در متن زندگی قرار می گیرد و بدینگونه فرد برای کسب خشنودی مولایش قبل از نزدیک شدن به مرز حرام قطعی، توقّف می نماید. بنابراین نمی توان مدّعی قبول ولایت امام زمان علیه السلام شد و نسبت به حلال و حرام بی توجّه بود.

کسی که همراه با معرفت، تسلیم ولایت امام زمان علیه السلام شده، برایش دشوار نیست که از برخی امیال خود بگذرد و مطابق پسند ایشان زندگی کند. لذا هیچگاه در صدد پیدا کردن راه حل های مختلف برای رسیدن به خواست های خود نمی باشد و بی جهت به هر چه خود می پسندد، رنگ دین نمی زند؛ بلکه خالصانه رضای مولایش را جستجو می کند.

از دیگر لوازم قبول مولویّت این است که عبد، خود را از هر جهت به دست مولی بسپارد و نگران مایحتاج خود نباشد. در قدیم، یک بنده از صبح بدنبال کار مولی می رفت و ظهر هم بر سر سفره او حاضر می شود و در حقیقت، مولایی که در طول روز، او را به دنبال کارهای مختلف می فرستاد، خود را موظّف به اطعام او می دانست و

شب هم جایی جهت استراحت برایش آماده می کرد و ... لذا فکر و مشغولیّت ذهنی غلام، هیچ یک از مسائل شخصی خودش نبود؛ بلکه فکر و ذکر او فقط امتثال امر مولا یش بود و مولی را به معنای واقعی کلمه «ولیّ» خویش می دانست. به این ترتیب امور مربوط به خودش را به او می سپرد و خود به وظیفه غلامی اش می پرداخت.

بنابراین هر غلامی موظّف به انجام غلامی خودش است و هر مولایی در حدّ شؤون خویش آقایی خواهدکرد. غلام نباید نگران وضعیّت شخصی خود باشد بخصوص اگر بداند که مولایش آنچه را برای او شایسته و به صلاحش باشد، فراهم می کند.

مسلماً بهترین موالی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اولاد گرامیشان تا حضرت مهدی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند که طبق بیعت غدیر، مولویّت ایشان بر هر زن و مردی واجب گشته و اگر مردم حقیقتاً به عهد خویش پایبند باشند و از خدمت گزاری به این موالی، سرباز نزنند، به بهترین وجه از آقایی و کرم ایشان بهره مند می گردند.

ص: ۴۳

عملکرد مسلمانان در قبال پیمان غدیر

متأسّفانه آنچه از واقعه غدیر تاکنون، مورد فراموشی قرار گرفته، توجّه به همین لوازم مولویّت است. از همان لحظات اولیّه در سال دهم هجری بسیاری از مردم، منافقانه با امیرالمؤمنین علیه السلام دست بیعت دادند و آنگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور فرموده بودند، با دل و جان و دست و زبان، تسلیم علیّ بن ابیطالب علیه السلام نشده، به مولویّتشان تن ندادند. هم اکنون نیز که ما در زمان مولویّت آخرین وصیّ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته ایم، باید منصفانه درباره وضعیت خویش به داوری بنشینیم که چقدر در انجام این وظیفه قبلی و جوارحی خود موفق بوده ایم؟ و یا حداقل چه اندازه به لوازم مولویّت توجه داشته و معتقد بوده ایم؟ ما که همواره بر خوان پربرکت این مولی نشسته ایم و از نعمت های مادی و معنوی این مولای کریم، بهره مند شده ایم، آیا تاکنون خود را غلام او - هر چند عاصی و خطاکار - دانسته ایم؟

ص: ۴۵

براستی این مطلب، قابل بررسی است که در میان شیعیان چند درصد مردم، دست کم به یاد ولیّ خود هستند؟ و چند نفر اینگونه مولویّت را برای او قائل می باشند؟!

حدّاقل در روز غدیر که متعلّق به وجود مقدّس ولیّ عصر ارواحنا فداه می باشد، چقدر از صاحب غدیر و حقوق ایشان یاد می شود؟ گاه بی توجهی و غفلت شیعیان نسبت به ایشان چنین می نماید که عهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بین مسلمانان زمان غیبت هم بدست فراموشی سپرده شده است و در روز غدیر هم آنچنان که شایسته است، حقّ امام علیه السلام ادا نمی شود. با وجود اینکه جشن ها و مراسمی به مناسبت این روز برقرار می شود و عید غدیر مورد اکرام و بزرگداشت قرار می گیرد، ولی پیام غدیر که همان فرمان مولویّت حجّه بن الحسن علیه السلام در این زمان است، کاملاً مسکوت باقی می ماند و در حقیقت، ما که مدّعی تشیّع در زمان غیبت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستیم، در پایبندی به مفاد این خطبه، مرتکب قصور گشته ایم و چه بسا وظیفه خود را هنوز نشناخته ایم. اگر چنین باشد، چگونه ممکن است که روز غدیر برای مؤمنان و ولیّ نعمت آنها عید باشد؛ چرا که این روز بیش از آنکه ولایت و سرپرستی امیر المؤمنین علیه السلام و ائمّه از نسل ایشان را اعلام نماید، یادآور حقوق از دست رفته ایشان از ابتدای روز غدیر در حجّه الوداع تا امروز می باشد و این مسأله ای است که دلهای همه دوستداران اهل بیت علیهم السلام را در اعیاد بزرگ مانند غدیر و قربان و فطر و جمعه محزون می کند و آنها را در مجالس

ص: ۴۶

دعای ندبه (۱) جمع می سازد. این مطلب طبق فرمایش امام صادق علیه السلام باعث اندوه موالی ما نیز می گردد:

ما مِن عیدٍ لِلمُسلِمینَ اَضحی وَ لا فِطرٍ اِلّا وَ هُوَ یُجدِّدُ لِآلِ مُحمَّدٍ فیه حُزناً (۲)

هیچ روز عید فطر و قربانی نیست مگر اینکه برای اهل بیت پیامبر علیهم السلام غم و اندوهی را تازه می کند.

بـدین ترتیب، محبّ امـام زمـان علیه السـلام نیز به تبع مولاـیش در این اعیـاد، محزون می گردد و در واقـع بـا وجود اینکه این روزها عید هسـتند، غمی بزرگ بر شادی این اعیاد، سایه می اندازد. شیعیان واقعی اهل بیت علیهم السلام که حلقه بندگی آنها را به گردن انـداخته انـد، همواره در انتظار روزی بسـر می برند که با رفع گرفتاری و شادی امامشان خشـنود گردند. این همان روزی است که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم در خطبه غـدیر وعـده آن را داده و فرموده اند که حضـرت مهدی علیه السـلام حقیقت دین الهی را آشـکار می سـازد و از ظالمـان انتقام گرفته، به یاری دین خـدا بر می خیزد و خون به ناحق ریخته اولیای الهی را طلب می کند:

اَلا اِنَّ خاتَمَ الاَئِمّهِ مِنّا القائمُ المهدیُّ. اَلا اِنّه الظاهرُ عَلی الدّینِ. اَلا اِنّه المنتقمُ مِن الظّالمین...

اَلا اِنّه المُدرِک بِکُلِّ ثارٍ لأولیاءِ اللهِ. اَلا اِنّه النّاصرُ لِدینِ اللهِ. (۳)

بدانید که آخرین امامان از ما مهدی قائم است. اوست غالب بر ۶.

۱- ندبه به معنای ناله و فریاد.

۲- فروع کافی، ج ۴، ص ۱۷۰، باب النوادر، ح ۲.

۳- اسرار غدیر، ص ۱۲۶.

ادیان. اوست انتقام گیرنده از ظالمان.

بدانید که اوست انتقام گیرنده هر خونی از اولیای خدا. اوست یاری دهنده دین خدا.

چنین روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام آنچنانکه باید، شناخته خواهند شد و حاکمیّت و مولویّت مطلق ایشان بر همه جهان حکمفرما می گردد. ان شاء الله

نتیجه سرپیچی از فرمان خداوند در غدیر

وظیفه همه کسانی که پیام غدیر به هر وسیله بدست آنها رسیده، این است که به مفاد خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعتقاد قلبی پیدا کنند؛ چرا که هر گونه بی اعتقادی یا شکّ و تردید در آن، شخص را از مسیر عبودیّت خارج ساخته، به ورطه کفر می اندازد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این خطبه خود را به صفت خاتم الانبیاء معرفی فرموده و شک در این حکم الهی را عین کفر و ضلالت دانسته اند:

انا [وَ اللهِ] خاتَمُ الاَنبیاءِ وَ المُرسَلینَ وَ الحُجَّهُ عَلی جمیعِ المَخلوقینَ مِن اَهلِ السَّماواتِ وَ الاَرَضینَ فَمَن شَکَّ فی ذلِکَ فَقَد کَفَرَ کُفرَ الجاهِلِیَّه الاُولی. (۱)

من به خدا قسم خاتم پیامبران و رسولان و حجّت بر همه مخلوقات از اهل آسمانها و زمین ها هستم. هر کس در این مطلب شک کند، مانند کفر جاهلیّت اولی کافر شده است.

سپس تأکید فرموده اند که همه فرمایش ایشان باید مورد قبول و تسلیم مؤمنان قرار گیرد و شک در هر یک از مفاد آن، به منزله شک۵.

ص: ۴۸

۱- اسرار غدیر، ص ۱۱۵.

در همه دین محسوب می گردد:

وَ مَن شَکَّ فی شَیءٍ مِن قَولی هذا فَقَد شَکَّ فی کُلِّ ما اُنزِلَ اِلَیَّ.

و هر کس در چیزی از این گفتار شک کند، در همه آنچه بر من نازل شده، شک کرده است.

پذیرش قلبی امامت ائمه علیهم السلام تا روز قیامت، اوّلین قدم به سوی امتثال امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و شک در مقام هر یک از ایشان شخص را از ایمان خارج ساخته، راهی آتش می گرداند:

وَ مَن شَکَّ فی واحِدٍ مِنَ الاَئِمَّهِ فَقَد شَکَّ فِی الکُلِّ مِنهُم وَ الشّاکَّ فینا فِی النّار.

و هر کس که در یکی از امامان شک کند، در همه آنها شک کرده است و شک کننده درباره ما در آتش است.

کسی که از قبول هر یک از مفاد این فرمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سرپیچی کند، مورد لعنت و غضب الهی واقع می گردد.

ای مردم! علی را فضیلت دهید که او بعد از من تا خداوند روزی را نازل می کند و خلق باقی است، بر همه مردم - از مرد و زن - افضل است.

مَلعونٌ مَلعونٌ، مَغضوبٌ مَغضوبٌ مَن رَدَّ عَلَیَّ قولی هذا وَ لَم یوافِقهُ.

ملعون است ملعون است مورد غضب است مورد غضب است کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد. (۱)۸.

۱- اسرار غدیر، ص ۱۱۵ و ۱۴۸.

موافقت و قبول قلبی مولویّت اهل بیت علیهم السلام کامل کننده دین است و کوتاهی در پذیرش این مهم، گناهی نابخشودنی است که عاقبت فرد را تباه کرده، همه اعمالش را زایل می گرداند. بنابراین اگر کسی در مرحله اعتقاد قلبی، تسلیم موالی خویش نشده باشد، هر قدر در انجام واجبات و مستحبّات اهتمام داشته باشد، او را سودی نمی بخشد و همه اعمالش حبط گشته، مخلّد در آتش می گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در خطبه غدیر با صراحت بر این مطلب تأکید فرموده اند:

مَعاشِرَ النّاسِ اِنَّما اَکمَلَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ دینَکُم بِامامَتِهِ فَمَن لَم یَأتَمَّ بِهِ وَ بِمَن یَقُومُ مَقامَهُ مِن وُلدی مِن صُلبِهِ اِلی یَومِ القِیامَهِ وَ العَرضِ عَلَی اللهِ عَزَّوَجَلَّ فَاُولئِکَ الَّذینَ حَبِطَت اَعمالُهُم [فِی الدُّنیا وَ الآخِرَهِ] وَ فِی النّار هم خالِدُونَ «لا یُخَفَّفُ عَنهُم العذابُ وَ لا هُم یَنظُرُون.» (۱)

ای مردم خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود. پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عزّوجل هستند، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته، در آتش دائمی خواهند بود. عذاب ازآنان تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود. (۲)

مخاطبان غدیر نه تنها موظّف هستند که با قلب، پذیرای پیام خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم گردند، بلکه همانطور که ایشان از مردم بیعت۲.

ص: ۵۰

۱- سوره آل عمران، آیه ۸۸.

۲- اسرار غدیر، ص ۱۱۹ و ۱۵۲.

گرفته انـد، بایـد همه با جان و دل و جوارح، تسـلیم موالی خویش شده، به معنای واقعی کلمه به مولویّت امام زمان خویش تن دهند و عبد ایشان گردند.

براستی اگر ما خود را عبید امام عصر علیه السلام می دانیم، باید منصفانه بررسی کنیم که عمل ما چقدر مطابق پیمانی است که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بسته ایم؟ آیا با دل و جان و زبان، تسلیم ایشان شده ایم؟ چقدر از سالهای عمر خود را برای امـام زمـان علیه السـلام صـرف کرده ایم؟ چقـدر از امکانات خویش را در جهت کسب رضای ایشان صـرف نموده ایم؟ زبانمان چقدر در جهت خشنودی ایشان چرخیده است؟ و در نهایت، قلب ما چه مقدار در خدمت مولایمان بوده است؟

همه اعمـال جـوارحی انسـان از قلب بر می خیزد و اگر قلب، مملـوّ از توجّه و محبّت به همه کس و همه چیز غیر از امـام زمـان علیه السـلام شـد، کم کم گوهر ایمـان از آن خـارج می گردد و شـخص را مسـتحقّ هر گونه عـذاب الهی می سـازد؛ چنـانکه خداوند متعال هشدار داده است:

قُل اِن كانَ آباؤُكُم وَ اَبناؤُكُم وَ اِخوانُكُم وَ اَزواجُكُم وَ عَشيرَتُكُم وَ اَموالٌ اِقتَرَفتَموها وَ تِجارَةٌ تَخشَونَ كَسادَها وَ مَساكِنُ تَرضَونَها اَحَبَّ اِلَيكُم مِنَ اللهِ وَ رَسولِهِ وَ جِهادِ فى سَبيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّى يَأتِيَ اللهُ بِاَمرِهِ. (۱)

اگر پـدرانتان و پسـرانتان و برادرانتان و همسـرانتان و قبیله شـما و اموالی که کسب کرده اید و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید و محل های سکونتی که مورد خشنودی شماست،۴.

۱- سوره برائت، آیه ۲۴.

نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه او محبوب تر است، پس منتظر باشید تا خدا امر خود (عقابش) را برساند.

اگر خواست های دنیوی ما و توجّه به پدر و مادر و فرزند و مال و تجارت و ... بر محور مولویّت امام زمان علیه السلام نباشد و آسایش و خواست خویش را بر خواست امام خود ترجیح دهیم، باید بدانیم که از پیمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرپیچی کرده ایم و این عمل، عقاب سختی به دنبال خواهد داشت.

در حقیقت، نقض پیمان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به زیان خود شخص می انجامد و همواره مصیبت این عهدشکنی، دامن گیر خود امّت بوده است.

فَمَن نَکَثَ فانّما یَنکُثُ عَلی نَفسِهِ وَ مَن اَوفی بِما عاهَدَ عَلَیهِ اللّه فَسَیُؤتیهِ اَجراً عَظیماً. (۱)

هر کس بیعت را نقض نماید، در حقیقت به زیان و هلاکت خود اقدام کرده است و هر که بر آنچه با خداوند عهد بسته، وفادار بماند، خداوند او را پاداش بزرگی خواهد داد.

بنابراین ما همواره باید متذکّر و متنبّه باشیم که بر عهد و پیمان خود استوار بوده، بر ادای حقوق مولای خویش - صاحب الزمان علیه السلام - اهتمام ورزیم و بدین وسیله، خود را در معرض فضل خداوند متعال قرار دهیم. هم چنین باید متوجه باشیم که خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام نیازی به تبعیّت ندارند؛ بلکه پایبندی بر این پیمان، سعادت دنیوی و اخروی امّت را تأمین می سازد و عواقب٠.

۱- سوره فتح، آیه ۱۰.

سرپیچی از آن به انحای مختلف، دامنگیر پیمان شکنان می گردد.

لبیّک گفتن به دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عید غدیر

از آنجا که در روز غـدیر، پیامبر بزرگ اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم همه انسانها را تا روز قیامت از طرف خداونـد مورد خطاب قرار دادند و آنها را به قبول عهد و پیمان الهی فرا خواندند، امام صادق علیه السـلام به شیعیان دستور داده اند که در هر عید غدیر به عنوان لبیّک گفتن به این دعوت کننده پروردگار (پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم) پس از ادای دو رکعت نماز و صدبار بجا آوردن شکر خداوند در سجده، این دعا را بخوانند:

اَللّهُمَّ سَمِعنا وَ اَطَعنا وَ اَجَبنا داعِیَکَ بِمَنِّکَ ... و در ادامه دعا:

فَاِنّا یا رَبَّنا آمَنّا بِمَنِّکَ وَ لُطفِکَ اَجَبنا داعِیَکَ وَ اتَّبَعنا الرَّسُولَ وَ صَدَّقناه و صدّقنا مولَی المؤمنینَ وَ کَفَرنا بِالجِبتِ وَ الطّاغُوتِ فَوَلِّنا ما تَوَلَّینا وَ احشُرنا مَعَ اَئِمَّتِنا فَاِنّا بِهِم مُؤمِنُون مُوقِنُونَ وَ لَهُم مُسَلِّمُونَ آمَنّا بِسِرِهِم وَ عَلانِیَتِهِم وَ شاهِدِهِم وَ غائِبِهِم وَحَیِّهِم وَ مَیِّتِهم وَ رَضینا بِهِم اَئِمَّةً وَ قادَةً وَ سادَةً. (۱)

خدایا! شـنیدیم و اطاعت نمودیم و دعوت کننده ات را به فضیلت اجابت کردیم ... پس ای پروردگار ما! ما ایمان آوردیم و به لطف و فضل خودت دعوت کننـده ات را اجابت کردیم و از رسول تبعیّت نمودیم و او را و مولای مؤمنان را تصدیق کردیم و به جبت و طـاغوت، کفر ورزیـدیم. پس مـا را تحت ولاـیتی که پـذیرفته ایم درآور و بـا امامـان خود محشورمـان کن که ما به ایشان ایمان و یقین داریم و تسلیم آنان هستیم. ما به آشکار و ۹.

ص: ۵۳

۱- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۹.

نهانشان و شاهد و غایب شان و زنده و مرده شان ایمان آوردیم و راضی شدیم که آنان امام و پیشوا و آقای ما باشند.

به فرموده امام صادق علیه السلام کسی که این دعا را بطور کامل بخواند و سپس به سجده رود و صد مرتبه پروردگار را حمد کند و سپس بار دیگر به سجده رود و صد مرتبه خداوند را شکر بگزارد، مانند کسی خواهد بود که در روز غدیر حاضر بوده و با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر امر ولایت اهل بیت علیهم السلام بیعت کرده است ... و همچون نجیبان و اشرافی خواهد بود که زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام و در خیمه ایشان هستند. (۱)

آنچه در این عمل مقدّس و شریف به مؤمنان هر عصر و زمانی وعده داده شده، با توجّه به مباحث پیشین، دور از انتظار به نظر نمی رسد. کسی که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روز غدیر سال دهم هجری را درک نکرده ولی مخاطب آن حضرت بوده است، اگر در سالروز غدیر به دعوت ایشان که دعوت کننده الهی هستند، لبیک بگوید و با دل و جان و دست و زبان به مولویّت امامان علیهم السلام اقرار و اعتراف نماید، از جهت آنچه به خودش و اعمال اختیاری اش مربوط می شود، از کسانی که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صادقانه در غدیر بیعت کردند و به این بیعت وفادار ماندند، چیزی کم ندارد. چنین کسی به فضل پروردگار، شایستگی این را دارد که همچون بزرگان و اشرافی باشد که امام عصر علیه السلام را در زمان ظهورش یاری می کنند.

دعا بر تعجیل فرج در روز غدیر

مؤمن در هر عید غدیری با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامانش تا ۰.

۱- بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۰۰.

حضرت حجّه بن الحسن المهدیّ عجّل الله تعالی فرجه الشّریف تجدید بیعت می کند و به امید درک سعادت یاری ایشان، برای تعجیل در فرج آن بزرگوار دست به دعا بلند می کند. آری یکی از وظایف عبد این است که همیشه به فکر مولایش باشد و اگر ایشان را گرفتار ببیند، برای رفع این گرفتاری تلاش کند. شیعیان در زمان غیبت در هر روز و هر لحظه وقتی می بینند که امر ظهور مولایشان اصلاح نشده، غمناک می گردند و راه چاره ای برای رفع گرفتاری از ولیّ نعمت خویش می جویند. بدین ترتیب، در همه اوقات، عاجزانه و با همه وجود از خداوند متعال درخواست می کنند که موانع ظهور حضرتش را برطرف نماید. پس مسأله دعا بر تعجیل فرج، یکی از کارهای اصلی بنده می باشد و او تلاش در این مسیر را وظیفه خویش می داند و سعی می کند هر کاری که می تواند، در جهت تحقّق فرج مولایش انجام دهد. لذا دیگران را هم متوجّه ولیّ نعمت خویش کرده، ترغیب بر دعای فرج می نماید و هم چنین در هر مناسبت و عید و عزایی و هر کجا که امید استجابت دعا می رود، گشایش در امر امام عصر علیه السلام را بر همه حوائج، مقدّم می دارد.

یکی از ایّام و فرصت هایی که شیعیان، آن را برای دعای بر فرج امام عصر علیه السلام مغتنم می شمارند، همین روز غدیر است و دعای خاصّی نیز در این روز وارد شده که مرحوم صاحب مکیال بخشی از آن را نقل فرموده اند. اول دعا چنین است:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ عَلِّیٍ وَلِیِّکَ وَ الشَّأنِ وَ القَدرِ الَّذی خَصَصتَها بِهِ دَونَ خَلقِکَ...

خدایا به حق محمد پیامبرت و علی ولیّت و شأن و منزلتی که

از بین خلایقت به او اختصاص داده ای، از تو می خواهم...

و در آخر دعا آمده است:

اَللّهَمَّ فَرِّج عَن اَهلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ اکشِف عَنهُم وَ بِهِم عَنِ المُؤمِنینَ الکُرُباتِ. اللّهُمَّ املَأ الارضَ بِهِم عَدلاً کَما مُلِئَت ظُلماً وَ جَوراً وَ انجِز ما وَعَدتَهُم اِنَّکَ لا تُخلِفُ المیعادَ.

خدایا! بر خاندان محمد - پیامبرت - فرج و گشایش ده و از آنها و از مؤمنان نیز به سبب آنها محنت ها و غم ها را برطرف ساز. خداوندا! زمین را به وجود آنها پر از عدل کن همچنانکه از ظلم و جور پر شده است و آنچه به ایشان وعده فرموده ای تحقّق بخش. به درستی که تو خلف وعده نمی کنی. (۱)

دعا برای مؤمنان در روز غدیر

بهترین دعایی که خداوند ممکن است در حقّ شیعیان به استجابت برساند، این است که به آنها توفیق خدمتگزاری در درگاه مولاّیشان را عطا فرماید. این اعتقاد که مسلمان باید عبد امام زمانش باشد، عیدی بزرگی است که امید می رود، خداوند در این روز به شیعیان عطا فرماید. سپس باید در روز غدیر و همه اوقات، از خداوند بخواهیم که به ما معرفتی عطا فرماید تا حقوق مولاّیمان را بشناسیم و درک کنیم که باید بدون این که منّتی بر خدا و رسولش داشته باشیم، با همه وجود در خدمت امام خویش درآییم و به آنچه ایشان دوست دارند، تقرّب جسته، از آنچه مبغوض دارند، دوری کنیم. و بطور خلاصه از خداوند درخواست کنیم که ما را عبید امامد.

۱- مکیال، ج ۲، ص ۴۹، ح ۱۱۰۰ به نقل از اقبال الاعمال و زاد المعاد.

زمانمان قرار دهد تا همه شؤون زندگیمان برای آن حضرت قرار گیرد و بدین ترتیب جزء کسانی باشیم که در روز غدیر به راستی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کرده اند.

مرحوم مکیال رحمه الله فرموده اند:

مستحبّ است در این روز (عید غدیر) از خدای متعال بخواهی که تو را از یاران آن حضرت - که خداوند ظهور و فرجش را زودتر گرداند - قرار دهد، چنان که دعایی طولانی و شریف در کتاب اقبال، ذکر شده و جملات پایانی آن این است:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِالحَقِّ الَّذی جَعَلتَهُ عِندَهُم وَ بِالَّذی فَضَّلتَهُم عَلَی العالَمینَ جَمیعاً اَن تُبارِکَ لَنا فی یَومِنا هذا الَّذی کَرَّمتَنا فیهِ بِالوَفاءِ لِعَهدِکَ الَّذی عَهِدتَ اِلَینا وَ المیثاقِ الَّذی واثَقتَنا بِهِ مِن مُوالاتِ اَولیائِکَ وَ البَرائَهِ مِن اَعدائِکَ وَ تَمُنَّ عَلینا بِنِعمَتِکَ عِندَنا وَ تَجعَلَهُ عِندَنا مُستَقَرّاً ثابِتاً وَ لا تَسلُبَناهُ اَبَداً وَ لا تَجعَلَهُ عِندَنا مُستَودَعاً فَاِنَّکَ قُلتَ: «فَمُستَقَرٌّ وَ مُستَودَعٌ» فَاجعَلهُ مُستَقَرّاً ثابِتاً وَ ارزُقنا نَصرَ دینِکَ مَعَ وَلِیٍّ هادٍ مِن اَهلِ بَیتِ نَبِیِّکَ قائِماً رَشیداً هادِیاً مَهدِیّاً مِنَ الضَّلالَهِ اِلَی الهُدی وَ اجعَلنا تَحتَ رایَتِهِ وَ فی زُمرَهِ شُهُداءَ صادِقینَ مَقتُولینَ فی سَبیلِکَ وَ عَلی نُصرَهِ دینِکَ. (۱)

خداوندا از تو می خواهم به حقی که نزد آنان (خاندان پیامبر) قرار داده ای و به آنچه بر تمام جهانیان برتریشان بخشیده ای که این روز را بر ما مبارک سازی، این روز که ما را درآن، به ۰.

ص: ۵۷

۱- اقبال الاعمال، جزء اول، ص ۴۸۰.

جهت وفای به عهدی که از ما خواسته ای و پیمانی که از ما گرفته ای - پیمان دوستی و پیروی اولیایت و بیزاری از دشمنانت - گرامیمان داشته ای. و [از تو می خواهم] که با نعمتت بر ما منّت نهی و آن را نزد ما قرار یافته و پایدار نمایی و هیچ گاه این نعمت (ولایت) را از ما نگیری و آن را نزد ما بطور امانت قرار ندهی که تو فرموده ای: «پس قرار یافته است و امانت سپرده شده» پس آن را برقرار و پایدار کن و یاری دینت را به ما روزی فرمای در خدمت ولیّ هدایت کننده ای از خاندان پیغمبرت، آن هنگام که به ارشاد بپا خیزد و هدایتگر هدایت شده از گمراهی به سوی راه راست بوده باشد و ما را زیر پرچم او و در شمار شهیدان راستینی که در راه تو و به خاطر یاری دینت کشته شده باشند قرار بده. (۱)

بالاترین افتخار انسان این است که بتواند جانش را تقدیم مولای خویش کند و در حقیقت، توفیق یابد بالاترین نعمتی را که مولی به او بخشیده است، در راه او بذل کند و بدین ترتیب، حقّ عهد با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به جای آورد؛ همانطور که یاران امام حسین علیه السلام جانهای خود را فدای مولایشان کردند و ما هنگام سلام دادن به مولایشان بر آنها چنین درود می فرستیم:

السّلامُ علیک یا اباعبدالله و علی الارواحِ الَّتی حَلَّت بِفِنائِک. (۲)

بنده اگر توفیق شهادت در رکاب مولایش را نیافت، باید همواره ۷.

ص: ۵۸

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۹.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۷۷.

این آرزو را در سر داشته باشد و این سعادت را از خداوند مسألت دارد؛ چنان که مؤمنان هنگام زیارت سیّد الشهداء علیه السلام این جمله را با افسوس بر زبان جاری می سازند که:

یا لَیتَنی کُنتُ مَعَکُم فَاَفُوزَ فوزاً عظیماً. (۱)

ای کاش من با شما بودم پس به رستگاری بزرگی می رسیدم.

اگر کسی در زمان غیبت در همه طول حیاتش متوجّه ولایت امام عصر علیه السلام بوده، خود را از همه جهت بنده ایشان بداند و در عمل نیز غلامی خود را به اثبات برساند، دعای روز غدیر در حقّ او مستجاب شده است و تحت رایت امام خویش با سلامت در دین بسر خواهد برد و حتماً آخرین لحظات زندگیش شیرین ترین لحظات عمرش خواهد بود. آنگاه با سربلندی، خدمت مولایش خواهد رسید و لبخند رضای ایشان را به چشم خواهد دید.

خدا را قسم می دهیم به غدیری که نزد او بسیار عظمت دارد و به صاحب غدیری که هنوز در پس پرده غیبت بسر می برد که به همه ما توفیق عطا فرماید تا بتوانیم عهد و پیمانی را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ما اخذ فرموده، به بهترین وجه ادا کنیم و همواره مطابق رضای مولایمان زندگی نماییم و بالاخره جان های خود را در راه او فدا کنیم.

اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد یا رب المؤمنین بحق المؤمنین اشف صدور المؤمنین بظهور الحجّه. آمین یا رب العالمین.۲.

۱- کامل الزیارات، باب ۷۹، ح ۱۲.

پرسش ها:

۱- وظیفه نسل حاضر در قبال غدیر چیست؟

۲- محتوای اصلی پیام غدیر را بیان کنید.

۳- «بیعت» به چه معناست و چگونه محقّق می شود؟

۴- آیا اقرار زبانی و دست دادن، شرط تحقّق بیعت می باشد؟

۵- چگونه از مولویّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، لزوم بندگی ما نسبت به ایشان نتیجه می شود؟

۶- مالکیّت و ولایت اهل بیت علیهم السلام چه تفاوتی با مالکیّت و ولایت خدای متعال دارد؟

۷- تفاوت معنای لغت «عبد» و «عابد» چیست و کدامیک می تواند در مورد غیر خدا بکار رود؟

۸- سه مرتبه عبودیّت در برابر اهل بیت علیهم السلام را توضیح دهید.

۹- مراد از خشوع بدنی در برابر امام علیه السلام چیست؟

۱۰- لوازم «اولی به تصرّف» دانستن امام علیه السلام چیست؟

ص: ۶۰

۱۱- حزن و اندوهی که در این زمان با شادی عید غدیر آمیخته می شود از چه جهتی است؟

۱۲- چرا عدم پذیرش مولویّت اهل بیت علیهم السلام سبب حبط اعمال و خلود در آتش می گردد؟

۱۳- دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام در روز غدیر از چه رو اهمیّت پیدا می کند؟

۱۴- در جملات پایانی دعایی که در روز غدیر وارد شده (اللّهمّ انّی اسئلک بالحقّ الذی...) چه درخواست هایی از درگاه الهی داریم؟ (چهار مورد را ذکر کنید)

ص: ۶۱

وَ لَو اَنَّ اَشیاعَنا - وَفَّقَهُمُ اللهُ لِطاعَتِهِ - عَلَی اجتِماعٍ مِنَ القُلُوبِ فِی الوَفاءِ بِالعَهدِ عَلَیهِم، لَما تَأَخَّرَ عَنهُمُ الیُمنُ بِلِقائِنا وَ لَتَعَجَّلَت لَهُمُ السَّعادَهُ بِمُشاهَدَتِنا عَلی حَقِّ المَعرِفَهِ وَ صِدقِها مِنهُم بِنا.

و اگر شیعیان ما - که خدا بر طاعتش توفیقشان دهاد - در وفای به عهد و پیمانی که بر عهده آنان است، همدل می شدند، برکت دیدار ما از آنها واپس نمی افتاد و سعادت مشاهده ما همراه با معرفت حقیقی و راستین برایشان پیش می افتاد.

بخشی از توقیع امام عصر علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله علیه

احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵

فهرست منابع

۱- قرآن کریم

۲- الاحتجاج، طبرسی

۳- اسرار غدیر، محمد باقر انصاری

۴- الاقبال، سید بن طاووس

۵- بحارالانوار، علامه مجلسی

۶- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی

۷- جمال الاسبوع، سید بن طاووس

۸- الکافی، مرحوم کلینی

۹- کامل الزیارات، ابن قولویه

۱۰- کمال الدین، شیخ صدوق

۱۱- المعجم الوسیط

۱۲- مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی

سؤالات از متن کتاب «پیمان غدیر»

۱- این جمله از امام جعفر بن محمّد الصادق علیه السلام درباره چه روزی است؟

«آن بزرگترین عید خداوند است و خدای عزّوجل هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن که این روز را عید گرفته است؟»

الف) عید فطر

ب) عید قربان

ج) عید غدیرخم

د) جمعه

۲- عبارت «السّلام عَلَیکَ یا میثاقَ الَّذی أَخَذَهُ وَ وَکَدَه» در یکی از زیاراتی که از ناحیه مقدّسه امام عصر علیه السلام وارد شده آمده است. دراین سلام چه کسی مخاطب کلام است که میثاق مؤکّد و مأخوذ خداوند است؟

الف) امیرالمؤمنین علیه السلام

ب) امام زمان حجه بن الحسن علیه السلام

ج) امام حسین علیه السلام

د) عثمان بن سعید، نائب اوّل امام زمان علیه السلام

۳- کدام یک از جملات زیر در مورد آیه ششم سوره احزاب: «اَلنَبِیُ اولی بِالمُؤمِنین من انفُسِهِم» صحیح نیست؟

الف) این آیه تنها در صدد بیان این نکته است که پیامبر از همه مؤمنین برتر و بالاتر است.

ب) در این آیه، با نصب الهی، مشخص می شود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به طور مطلق نسبت به مؤمنان از خودشان سزاواتر است.

ج) مؤمنان باید درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در همه امور خویش بر خواست خود ترجیح دهند.

د) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به همه دارایی های مؤمنان از خودشان سزاوارترند و ایشان می توانند هر گونه دخالتی در همه ابعاد زندگی مؤمنین داشته باشند.

ص: ۶۵

۴- کدام یک از جملات زیر در معرفی حضرت حجه بن الحسن العسکری علیه السلام به عنوان حجت خدا و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خطابه غدیر توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده نیست؟

الف) الا انّ خاتم الائمّه منّا القائِم المَهدی

ب) وَ هوَ الطالِبُ بِدَم المَقتُول بِکَربَلا

ج) اِنَّهُ وَلی الله فی أرضِهِ و حکمِه فی خَلقِهِ وَ اَمینه فی سِرِّهِ وَ عَلانیته

د) اَلا اِنَّهُ البابی حُجّه و لا حَجه بَعدَه و لا حقّ اِلا مَعَه و لا نُور الا عِندَه

۵- کدام ترجمه از عبارت «مَن شَکَّ فی واحد مِنَ الائمّه فَقَد شکَّ فی الکُلّ مِنهُم و الشاکّ فینا فی النّار» صحیح است؟

الف) هر کس در مورد یکی از ائمه شک کند نسبت به همه آنها شک کرده و کسی که در مورد ما (اهل بیت علیهم السلام) شک کند در آتش خواهد بود.

ب) کسی که در مورد اولین امام شک کند درهمه ائمه شک می کند و هر کس شک کند در آتش جهنم خواهد بود.

ج) هر کس در مورد یکی از ائمه شک کند در همه آنان شک خواهدکرد و هر کس از ما (اهل بیت علیهم السلام) شکایت کند در آتش خواهد بود.

د) هر کس در مورد یکی از ائمه شک کند در مورد همه آنان مشکوک می شود و هر کس شاکی باشد در آتش جهنم است.

۶- بیعت به معنی عهد وثیق و پیمان مؤکد با خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام در کدام مورد تحقق می یابد؟

الف) تصمیم قلبی بر اطاعت فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علیه السلام و یاری نمودن او با تمام امکاناتش.

ب) اظهار زبانی به آنچه در زمان بیعت قصد نموده است.

ج) دست دادن با امام، که نشانه وقوع و تمامیت بیعت است (در صورت حضور در محضر امام)

د) همه موارد

۷- از آنجا که تعداد افراد حاضر در غدیر خم بسیار زیاد بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ابتدا بیعتی به صورت اقرار زبانی منعقد کردند و کلمه کلمه القاء فرمودند و مردم تکرار نمودند. کدام یک از جملات زیر جزو این اقرار دسته جمعی می باشد؟

الف) اِنّـا سـامِعُون مُطیعُون راضُون مُنقادُون لِما بَلَغت عَن ربنا و ربک فی امر اِمامنا عَلی امیرالمؤمنین و مِن وُلـدی مِن صُـلبه مِنَ الائِمّه

ب) نُبایِعُک عَلی ذلک بِقُلوبنا وَ اَنفُسِنا و اَلسِنَتنا و اَیدینا عَلی ذلک نُحیی و عَلَیه نَموت و عَلَیه نَبعث

ج) فالعهد و المیثاق لَهُم مَأخوذ مِنّا مِن قُلوبِنا و انفُسِنا و السنتِنا وَ ضَمایِرنا و اَیدینا.

د) هر سه مورد جزو این اقرار بوده است.

۸- کدام یک از مورد ذیل لازمه «عبد بودن» نسبت به امام علیه السلام نمی باشد؟

الف) به طور کامل و مطلق از امام اطاعت شود.

ب) امام را در امور خود صاحب اختیار بداند.

ج) به ولایت امام اعتقاد داشته باشد.

د) امام را عبادت کند.

۹- همـان طور که بیان شـد پیام اصـلی غـدیر «مولویت» امیرالمؤمنین و ائمّه علیهم السـلام بر همه مؤمنین است. پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر نتیجه سرپیچی از فرمان خداوند و شک نسبت به فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را چه چیزی معرفی می فرمایند؟

الف) کفر و ضلالت جاهلیّت

ب) سوختن در آتش عذاب الهی

ج) مورد لعن و غضب الهی قرار گرفتن.

د) همه موارد

۱۰- در دعای شـریفی که برای روز غـدیر نقل شـده است و با عبارت «اللّهمّ انّی اسـئَلُکَ بالحقِّ الـذی جَعَلتَهُ عِنـدَهم» آغاز می شود از خداوند درخواست هایی می کنیم. کدام یک از جملات زیر جزو این درخواست ها نیست؟

الف) از خـدا می خواهیم که این روز را که در آن از ما پیمان دوستی و پیروی از اولیائش و بیزاری از دشـمنانش گرفته است، بر ما مبارک گرداند.

ب) یاری دینت را به ما روزی فرما، در خدمت ولیّ هدایت کننده ای از خاندان پیغمبرت صلی الله علیه و آله و سلم

ج) ما را زیر پرچم او در شمار شهیدان راستینی که در راه تو و به خاطر یاری دینت کشته شده باشند قرار ده.

د) از تو می خواهیم که بـا نعمتت بر مـا منت گـذاری و آن را نزد مـا به طور امانت قرار دهی که تو فرموده ای: «پس قرار یافته است و امانت سپرده شده»

۱۱- مخاطبین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه روز غدیر در مورد پذیرش ولایت و بیعت با امیرالمؤمنین و ائمّه علیهم السلام چه کسانی بودند؟

الف) همه مسلمانان تا روز قیامت

ب) همه حاضرین در صحرای غدیر در آخرین حجّ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ج) همه مسلمانان صدر اسلام

د) همه مسلمانان و تمام کسانی که بخواهند در مسیر خداشناسی و دین داری حرکت کنند تا روز قیامت

۱۲- با قبول ولایت امام زمان علیه السلام چگونه فرد به «تقوی» و «ورع» می رسد؟

الف) مؤمن سعی می کند در دین داری خود رضای امام زمان علیه السلام را کسب کند.

ب) مؤمن اگر احتمال دهد امام از امری کراهت دارد هرگز به آن نزدیک نمی شود.

ج) مؤمن برای کسب رضایت امام زمان علیه السلام قبل از نزدیک شدن به امور حرام متوقف می شود.

د) همه موارد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹